

مقدمه: مبانی شناخت جهانی شدن

ویلیام شکسپیر در پرده سوم نمایش *ترویلوس و کرسیدا* از زبان یکی از شخصیت‌های نمایش می‌نویسد:

شخص عجیبی به من نوشته است که انسان هرچه دارای نبوغ باشد و فضایل درونی داشته باشد، نمی‌تواند از داشتن آن به خود بی‌بالد یا احساس کند که صاحب آن فضایل است، مگر اینکه آن را در دیگران ببیند، چون وقتی خصایل او بر دیگران پرتو افکند، در آنها حرارتی به وجود می‌آورد که آنها هم به نوبت خود آن را در منبع اصلی باز می‌تابند.... چشم که پاک‌ترین روح احساس است نمی‌تواند خود را نظاره کند چون از جایگاه خود خارج نمی‌شود ولی دو چشمی که به چشم دیگر نظر افکند نمی‌تواند تصویر خویش را جز در آن چشم دیگری ببیند (شکسپیر، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹۷).

شاید این بیان ژرف شکسپیر بتواند نقطه آغاز مناسبی برای فهم مقوله «جهانی شدن»^۱ باشد. زیرا پیدایش و سرآغاز درک آنچه با این نام خوانده می‌شود، خارج شدن از پوسته درون و نظرافکندن بر برون است. انسانها، جوامع و گروه‌های اجتماعی در محیط کنونی حیات بشر در شرایطی زندگی می‌کنند که حتی برای درک موقعیت و ویژگی‌های خود و شناخت خصایل خویش ناگزیر از فهم جهان و محیطی هستند که به جریان زندگی آنان معنا می‌بخشد. جهان ابتدای قرن بیست و یکم جهانی است که هیچ فرد یا جامعه‌ای نمی‌تواند، حصاری دور خود کشیده و از آن دوری‌گزیند و به عبارت دیگر خویشتن هر جامعه و هر گروه اجتماعی در ارتباط با کلیت‌های فراگیر در جهان معنا و مفهوم می‌گیرد. هویتها، منافع، امنیت، فعالیتهای اقتصادی، ایده‌ها، اندیشه‌ها و هنرها همگی از دایره بسته مرزهای جغرافیایی

1. globalization

خارج شده و در گستره‌ای به وسعت جهان ظهور می‌یابند. اگر بخواهیم از تعبیر شکسپیر استفاده کنیم، جهان به مانند آن دو چشم دیگر است که تنها تصویر خویش را در درون آن می‌توان دید.

این ضرورت و آگاهی نو که در نزد اهل اندیشه پدید آمده، سبب شده است که در نوشته‌ها و ادبیات علوم انسانی و اجتماعی و حتی در نزد بسیاری از متخصصان علوم طبیعی، اصطلاح و مفهوم جهانی شدن به یکی از پرکاربردترین اصطلاحات بدل شود. به قول مالکوم واترز اگر در دهه ۱۹۸۰ «پست مدرنیسم» اصطلاح رایج علوم اجتماعی محسوب می‌شد، در دهه ۱۹۹۰ جهانی شدن جانشین آن شد یا آن طور که استفن کرزنر - از منتقدان جهانی شدن - نقل می‌کند: میزان کاربرد کلمه جهانی شدن در متون علمی علوم اجتماعی از بیست بار در سال ۱۹۸۰ به بیش از هزار بار در سال ۱۹۹۸ رسید (Krasner, 2001a, p. 2).

از اواخر قرن بیستم کمتر مقوله‌ای در حوزه علوم اجتماعی وجود داشته که به گونه‌ای با موضوع جهانی شدن مربوط نشده باشد. در حوزه اقتصاد و تجارت که همه مباحث به نوعی به فرایندهای جهانی مربوط می‌شود، در حوزه سیاست که از رژیمهای جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالشهای جهانی مانند بنیادگرایی، تروریسم و محیط زیست صحبت می‌شود و در حوزه فرهنگ که سخن از درهم آمیختگی هویت‌های محلی و جهانی است و همچنین با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز بسط جهانی هنرها و الگوهای فرهنگی خاص، درک و فهم پدیده‌های فرهنگی پیوند عمیقی با روند جهانی داشته است. از همین رو دیگر کمتر متفکر، اندیشمند یا فعالیت علمی را می‌توان یافت که به گونه‌ای سخن از جهانی شدن، حال به اثبات یا نفی، نیاورده باشد. در آغاز قرن بیست و یکم مؤسسات، مراکز علمی، دانشگاهها و متفکران بی شماری دست‌اندر کار بررسی و شناخت ابعاد مختلف این پدیده هستند و در بیشتر دانشگاههای معروف جهان واحدهای آموزشی مشخصی با عنوان جهانی شدن در برنامه‌های درسی گنجانده شده است و این امر نشان می‌دهد که این موضوع به امری بنیادین در عرصه دانش بشری تبدیل می‌شود.

به طور کلی ریشه و مبانی کلمه جهانی شدن به جهان که ترجمه لغت globe است برمی گردد. باید دقت کرد که جهان در عبارت جهانی شدن، ترجمه world یا universe نیست، بلکه برگرفته از globe است. این اصطلاح در اصل به معنی «کره» یا سطح فراگیر یک جسم کروی است. در اصطلاح رایج انگلیسی و حتی پزشکی به «کره چشم»، globe of the eye گفته می شود که منظور کل کره چشم یا سطح بیرونی آن است (Webster, 2004). همچنین به کره های کوچکی که ماکتی از کل کره زمین است نیز در زبان انگلیسی globe گفته می شود که با پیشوند the به معنای کل کره زمین می شود. براین اساس معنای لغوی global نیز فراگرفتن یا تأثیر گذاردن بر کل دنیا و سراسر جهان است (Oxford, 1994).

در یونان باستان globe را اندیشمندانی به کار بردند که سرتاسر جهان را به هم پیوسته می دانستند و برخی از یونانیان باستان آن را به معنای «سطح» کل جهان می دانستند (Britannica, CD, 2000).

اما آن چیزی که هم در معنای باستان و هم در ریشه لغوی globe مشترک است، این است که این اصطلاح برای کلیت فراگیر و به هم پیوسته جهان بشری به کار می رود؛ زمانی که تمامی جهان به عنوان پدیده یگانه ای شناخته می شود و می توان آن را به مثابه یک کل یا یک موجود به هم پیوسته دید. به همین دلیل نیز globalization به جهانی شدن ترجمه می شود. آن گونه که مارتین آلبرو نیز توضیح می دهد، پسوند ization زمانی به کار می رود که یک فرایند و دگرگونی اساسی در حال انجام است. مثل urbanization که به معنای فرایند شهری شدن است و به روندی اطلاق می شود که طی آن جوامع روستایی به تدریج به جوامع شهری تبدیل می شوند یا عبارت modernization که به معنای مدرن شدن است، یعنی فرایندی که در آن به تدریج جوامع سنتی از پوسته سنت خارج شده و مدرن می شوند (Albrow, 1996, p. 81). شاید به همین دلیل ترجمه این اصطلاح به «نوسازی» ایراد داشته باشد، زیرا پسوند ization لزوماً مفهوم فاعلیت براساس طرح و برنامه خاص را در خود ندارد. بر این اساس بسیاری از مترجمان تلفظ فرانسه - فارسی آن یعنی مدرنیزاسیون را به کار می برند.

به هر حال ترجمه صحیح‌تر globalization همان جهانی شدن است. ترجمه این اصطلاح به کلماتی مثل «جهانی‌سازی» کاملاً خلط مبحث است. زیرا کسانی که معتقدند شکل‌گیری امر جهانی توطئه قدرتهای سرمایه‌داری و گروه سودجو و استثمارگرانی است که سرنخ طرحها، برنامه‌ها و روندهای جهانی را در اختیار دارند، دیگر یا نباید از اصطلاح جهانی شدن استفاده کنند و یا باید اصطلاحات و مفاهیم دیگری نظیر جهان‌گرایی را برای بیان اندیشه خود و نقد جهانی شدن به کار برند.^۱

آنچه مسلم است ترجمه globalization به جهانی‌سازی خلط مبحث بوده و موجب می‌شود که معنی درست کلمه و ریشه‌ها و ابعاد آن در زبان فارسی به درستی شناخته نشود. فرایند جهانی شدن حتی اگر متضمن استثمار و سلطه باشد، فرایندی است که می‌توان در آن ابعاد مختلف، مثل گرایش قدرتهای جهانی به جهانی‌سازی پدیده‌ها را نقد کرد، اما نباید معادل فارسی نادرستی از آن ارائه شود.

به طور کلی باید پرسید جهانی شدن چیست؟ آیا عینیت مشخص یا پدیده چهارچوب‌بندی شدهٔ معینی در عالم انسانی وجود دارد که نام آن جهانی شدن است و هر اندیشمندی با مشاهده آن به وجودش پی می‌برد؟ یا برداشت و ذهنیتی است که بر بعضی از واقعیتهای جاری اطلاق می‌شود؟ یا فرایندی واقعی و انکارناپذیر است که ماهیت دنیای انسانی را تغییر داده و برخی از اندیشمندان با هشپاری آن را شناخته و بعضی چشمان خود را بر آن بسته‌اند؟ و یا تلقی خاص گروهی از متفکران است که می‌خواهند خواسته‌ها، ایده‌ها و گاهی آرزوهای خود را در قالب واقعیت ببینند و گروهی نیز رندانه در پی مقابله برآمده و نیت آنان را آشکار می‌سازند؟ اینها سؤالهای کلیدی است که در ادبیات حجیمی که امروزه دربارهٔ جهانی شدن وجود دارد به طور مشروح بدان پرداخته می‌شود. حجم عظیم مفاهیم و استنتاجات ارائه

1. البته این ملاحظه لغوی و واژگانی مانع از آن نیست که اصولاً دو نوع نگاه و رهیافت متفاوت به این پدیده، به ویژه در کشورهای جنوب، داشته باشیم: رهیافت جهانی شدن که فرایندی طبیعی است؛ رهیافت جهانی‌سازی که حاصل دستکاری و موج‌سواری کشورهای شمال است. بنابراین همان سان که جهانی شدن یک رهیافت است؛ جهانی‌سازی نیز یک واقعیت مشهود است. کل مطالب کتاب در چنین قالبی باید مورد داوری قرار گیرد. (ناشر)

شده در این باره به گونه‌ای است که قضاوت قطعی درباره آنها را دشوار و پاسخ‌گویی قطعی به سؤالهای مذکور را غیرممکن می‌سازد. آنچه در سالهای نخستین قرن بیست و یکم می‌توان گفت این است که تا این زمان تحولاتی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، فناوری و سیاسی جهان روی داده که تا حدودی بی‌سابقه بوده است. این تحولات به طور عمده به پیوستگی و ارتباطات بیشتر و تعامل روزافزون میان گروههای انسانی در عرصه جهانی منجر شده است. حال این تحولات را به گونه‌های مختلف اندیشمندان و نظریه‌پردازان متفاوتی درک و صورت‌بندی کرده‌اند. بعضی آن را با عنوان آغاز عصری جدید بیان کرده و برخی ادامه همان روند طبیعی و شناخته شده زندگی اجتماعی انسان جدید دانسته‌اند. در این مقدمه به طور گذرا و اجمالی به بعضی از این تحولات می‌پردازیم و سپس در فصول چهارگانه کتاب بعضی از تعبیر و تفاسیر مختلفی را که از آنها شده است بیان می‌کنیم.

پیوندهای جهانی در عرصه اقتصاد

از دهه ۱۹۶۰ که برای نخستین بار اصطلاح جهانی شدن در فرهنگ لغات آکسفورد وارد شد، به عنوان فرایندی اقتصادی شناخته شد. فرایندی که در آن به تدریج پدیده‌ها و روابط اقتصادی جنبه جهانی می‌یابند. از آن پس در دانش اقتصاد به خصوص اقتصاد حقوق بین‌الملل، جهانی شدن به تدریج به موضوعی محوری تبدیل گردید و تا به امروز بسیاری از نظریه‌های مربوط به جهانی شدن ماهیت اقتصادی دارند. اما باید دید که چه تحولاتی در عرصه اقتصاد جهانی اتفاق افتاده که مورد استفاده و تعبیر و تفسیر نظریه‌پردازان قرار گرفته است. همان طور که آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد مبادلات و تعاملات اقتصادی - تجاری در سطح جهانی به طرز روزافزونی در حال افزایش است و رژیمها و استانداردها و نرمهای جهانی در حوزه اقتصاد و تجارت در حال شکل‌گیری است. برای نشان دادن بعضی از نمودهای این فرایند از آمار و ارقام رسمی کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد استفاده می‌کنیم. آمار نشان می‌دهد که تجارت جهانی دائماً در حال رشد بوده و به ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ حجم تجارت جهانی به سرعت گسترش یافته است. حجم

تجارت جهانی در پایان دهه ۱۹۹۰ به حدود ۹ برابر اواسط دهه ۱۹۸۰ رسیده است (Gilpin, 2002, p. 5). به طوری که اقتصاد کشورها روزبه‌روز بیشتر به تجارت وابسته می‌شود. البته میزان رشد تجارت جهانی و سهم آن در تولید ناخالص کشورهای مختلف ممکن است با سالهای طلایی تجارت جهانی در دهه ۱۹۱۰ مقایسه شود، اما با توجه به افزایش حجم تولید جهانی، می‌توان گفت که حجم تجارت جهانی در پایان قرن بیستم بسیار بیشتر، مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر از گذشته است. نکته جالب در رشد تجارت جهانی، افزایش حجم تجارت کالا و خدمات است. اگر در گذشته بخش مهمی از تجارت جهانی به مبادله مواد خام اختصاص داشت، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، رشد صادرات مصنوعات کارخانه‌ای و خدمات انکارناپذیر است. جدول ذیل گویای صادرات کالاهای کارخانه‌ای و خدمات در جهان و به خصوص کشورهای در حال توسعه است:

جدول ۱ میزان صادرات کالاهای کارخانه‌ای و خدمات

مناطق	سال	
	۱۹۹۰-۱۹۸۰	۲۰۰۰-۱۹۹۰
جهان	٪۶	٪۶/۷
کشورهای در حال توسعه	٪۳/۱	٪۹/۱
کشورهای اروپای شرقی و مرکزی	٪۲/۲	٪۸/۲
کشورهای توسعه یافته	٪۷/۶	٪۵/۷

Source: UNCTAD, 2004, p. 49.

آن گونه که در این جدول مشخص است، میزان رشد صادرات کالاهای مصنوع و خدمات در کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد و حتی بیش از کشورهای توسعه یافته است و این نشان می‌دهد که سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت کالاهای صنعتی و خدمات دائماً در حال افزایش است. هرچند این میزان در منطقه صحرای افریقا، بخشهایی از خاورمیانه و آسیای میانه پایین و در مواردی در حال کاهش است. بنابراین سرزمینهای مختلف جهان از نظر تجاری و به خصوص تجارت کالای مصنوع و خدمات دائماً پیوند بیشتری می‌یابند. در عرصه امور مالی و جریان سرمایه

مقدمه: مبانی شناخت جهانی شدن ۷

نیز این ارقام را با ابعاد وسیع‌تری می‌توان ملاحظه کرد. جریان رسمی مالی (ورود و خروج رسمی سرمایه) در سال ۲۰۰۱ به نسبت ۱۹۷۰ بیش از ۵ برابر شده است و بیشتر این رشد در کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده و از کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به نزدیک ۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسیده و در قاره آفریقا از حدود ۳ میلیارد دلار به ۱۷ میلیارد دلار افزایش یافته است (UNCTAD, 2004, p. 9).^۱

هرچند بعضی از صاحب‌نظران مانند واترز رشد سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم را نشانه مناسبی برای جهانی شدن اقتصاد نمی‌دانند، اما به هر حال می‌توان گفت که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص اساسی برای به هم پیوستگی اقتصادها در عرصه جهانی است. افزایش حیرت‌انگیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله سالهای ۱۹۷۰-۲۰۰۲ انکارناپذیر است، چرا که در سال ۲۰۰۰ یعنی قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر که نوعی جو ناامنی در عرصه اقتصاد و سرمایه‌گذاری به وجود آمد، به اوج خود رسیده است. جدول ذیل میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این فاصله زمانی را نشان می‌دهد:

جدول ۲ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (۱۹۷۰-۲۰۰۲) (ارقام به میلیارد دلار)

مناطق	سال					
	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰
کل جهان	۶۵۱۱۸۸	۸۲۳۸۲۵	۱۳۹۲۹۵۷	۲۰۸۶۷۴	۵۴۹۵۷	۱۲۹۳۸
سرمایه ورودی به کشورهای در حال توسعه	۱۶۲۱۴۵	۲۰۹۴۳۱	۲۴۶۰۵۷	۳۶۹۵۹	۸۳۹۲	۳۴۶۱
سرمایه ورودی به کشورهای توسعه یافته	۴۶۰۳۳۴	۵۸۹۳۷۹	۱۱۲۰۵۲۸	۱۷۱۰۷۶	۴۶۵۳۰	۹۴۷۷
سرمایه خارج شده از کشورهای در حال توسعه	۴۳۰۹۵	۴۷۳۸۲	۹۹۰۵۲	۱۶۶۸۳	۳۳۱۰	۴۷
سرمایه خارج شده از کشورهای توسعه یافته	۶۰۰۰۶۳	۶۶۰۵۵۸	۱۰۹۷۷۹۶	۲۲۵۷۵۴	۵۰۳۴۳	۱۴۱۱۰

Source: UNCTAD, 2004, p. 33.

1. United Nations Conference on Trade and Development

براساس این آمار در سال ۲۰۰۰ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به نسبت ۱۹۷۰ بیش از ۱۰۰ برابر افزایش یافته است و سرمایه ورودی به کشورهای در حال توسعه حدود ۸۰ برابر و به کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۱۱۵ برابر شده است. این امر نشان‌دهندهٔ به هم پیوستگی روزافزون و انکارناپذیر سرمایه در عرصه جهانی است. این در حالی است که پس از افزایش فراوان بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۱ این بدهیها کاهش یافته است.

جدول ۳ میزان بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه (میلیارد دلار)

۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰
۱۷۷۷/۸	۱۸۲۳/۳	۱۰۹۱/۹	۴۸۰/۵

Source: UNCTAD, 2004, p. 29.

بنابراین همراه با افزایش سهم تجارت و صادرات در اقتصاد کشورهای مختلف جهان، به هم پیوستگی مالی و سرمایه‌ای میان کشورهای مختلف با شاخص افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حال رشد سریعی است. این امر با شکل‌گیری و قدرت‌یابی روزافزون سازمانها و رژیمهای جهانی تجاری، مالی و اقتصادی همراه است. تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ و پیوستن بیش از ۱۴۵ کشور جهان تا سال ۲۰۰۳ به این سازمان گویای شکل‌گیری تدریجی رژیم تجاری و قواعد و نرمهای اقتصادی در عرصه جهانی و کنترل آنها به وسیله سازمانی جهان شمول است. افزایش قدرت و نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و اعمال قواعد همسان مالی - اقتصادی در کشورهای مختلف جهان به وسیله آنها نیز شاهدهی بر این مدعا است. این در حالی است که تعداد مشخصی از شرکتهای بزرگ فراملی^۲ چرخه جهانی تولید و توزیع کالا و خدمات را در اختیار دارند و می‌توانند خود به عنوان نمونها یا شاخصهای اقتصاد جهانی شناخته شوند. فهرست ذیل نشان‌دهنده مشخصات ۵۰ شرکت اصلی است که چرخه تولید و توزیع جهانی را در اختیار دارند. البته این جدول شامل شرکتهای غیرمالی می‌شود که کار آنها تولید و توزیع است:

1. World Trade Organization
2. transnational corporation

جدول ۴ بزرگ‌ترین شرکتهای فراملی (غیرمالی) جهان (ارقام به میلیون دلار)

شرکتها	نوع صنعت	دارایی خارجی	دارایی کل	فروش کارکنان
وودافون (بریتانیا)	ارتباطات، مخابرات	۱۸۷۷۹۲	۲۰۷۴۵۸	۳۲۷۴۴
جنرال الکترونیک (امریکا)	وسایل الکترونیک	۱۸۰۰۳۱	۴۹۵۲۱۰	۱۲۵۹۱۳
بریتیش پترولیوم (بریتانیا)	نفت	۱۱۱۲۰۷	۱۴۱۱۵۸	۱۷۵۳۸۹
ویوندی (فرانسه)	کالاهای متعدد	۹۱۱۲۰	۱۲۳۱۵۶	۵۱۴۲۳
دویچ تله کام (آلمان)	ارتباطات، مخابرات	۹۰۶۵۷	۱۴۵۸۰۲	۴۳۳۰۹
اکسونوموبیل (امریکا)	نفت	۸۹۴۲۶	۱۴۳۱۷۴	۲۰۹۴۱۷
فورد (امریکا)	خودرو، موتور	۸۱۱۶۹	۲۷۶۵۴۳	۱۶۲۴۱۲
جنرال موتورز (امریکا)	خودرو، موتور	۷۵۳۷۹	۳۲۳۹۶۹	۱۷۷۲۶۰
داچ شل (بریتانیا - هلند)	نفت	۷۳۴۹۲	۱۱۱۵۴۳	۱۳۵۲۱۱
توتال (فرانسه)	نفت	۷۰۰۳۰	۷۸۵۰۰	۹۴۴۱۸
سوئز (فرانسه)	برق، گاز، آب	۶۹۳۴۵	۷۹۲۸۰	۳۷۹۷۵
تویوتا (ژاپن)	خودرو، موتور	۶۸۴۰۰	۱۴۴۷۹۳	۱۰۸۸۰۸
فیات (ایتالیا)	خودرو، موتور	۴۸۷۴۹	۸۹۲۶۴	۵۲۰۰۲
تکفونیکا (اسپانیا)	مخابرات، ارتباطات	۴۸۱۲۲	۷۷۰۱۱	۲۷۷۷۵
فولکس (آلمان)	موتور، خودرو	۴۷۴۸۰	۹۲۵۲۰	۷۹۳۷۶
چورون (امریکا)	نفت	۴۴۹۴۳	۷۷۵۲۷	۱۰۴۴۰۹
تچیشن (هنگ کنگ)	متنوع	۴۰۹۸۹	۵۵۲۸۱	۱۱۴۱۵
نیوز (اتریش)	رسانه	۳۵۶۵۰	۴۰۰۰۷	۱۵۰۸۷
هوندا (ژاپن)	موتور، خودرو	۳۵۲۵۷	۵۲۰۵۶	۵۵۹۵۵
اِاون (آلمان)	برق، گاز، آب	۳۳۹۹۰	۸۷۷۵۵	۷۱۴۱۹
نستله (سوئیس)	کالای غذایی	۳۳۰۶۵	۵۵۸۲۱	۵۰۷۱۷
RWE (آلمان)	نفت، گاز، آب	۳۲۸۰۹	۸۱۹۲۴	۵۸۰۳۹
IBM (امریکا)	الکترونیک	۳۲۸۰۰	۸۸۳۱۳	۸۵۸۶۶
ABB (چین)	تجهیزات مکانیکی	۳۰۵۸۶	۳۲۳۰۵	۱۹۳۲۸
یونیلور (بریتانیا - هلند)	متنوع	۳۰۵۲۹	۴۶۹۲۲	۴۶۸۰۳
ENI (ایتالیا)	نفت	۲۹۹۳۵	۵۵۵۸۴	۴۳۸۶۱
BMW (آلمان)	خودرو، موتور	۲۹۹۰۱	۴۵۴۱۵	۳۴۴۸۲
فیلیپس (هلند)	الکترونیک	۲۹۴۱۶	۴۳۰۷۰	۲۸۹۹۲

ادامه جدول ۴

شرکتها	نوع صنعت	دارایی خارجی	دارایی کل فروش	کارکنان
کارفور (فرانسه)	فروشگاه	۲۹۳۴۲	۴۱۱۷۲	۳۵۸۵۰۱
الکتریسته (فرانسه)	برق، گاز، آب	۲۸۱۴۱	۱۲۰۱۲۴	۱۶۲۴۹۱
رپسول	نفت	۲۷۰۲۸	۴۵۵۷۵	۳۵۴۵۲
سونی (ژاپن)	الکترونیک	۲۶۹۳۰	۶۱۳۹۳	۱۶۸۰۰۰
آونیش (فرانسه)	دارو	۲۶۳۶۸	۳۴۷۶۱	۹۱۷۲۹
وال مارت (امریکا)	فروشگاه	۲۶۳۲۴	۸۳۴۵۱	۱۳۸۳۰۰۰
دایملر کرایسلر	موتور، خودرو	۲۵۷۹۵	۱۸۳۷۶۵	۳۷۲۴۷۰
لافارژ (فرانسه)	مواد ساخته شده	۲۴۹۰۶	۲۶۴۹۳	۸۲۸۹۲
نیسان (ژاپن)	موتور، خودرو	۲۴۳۸۲	۵۴۱۱۳	۱۲۵۰۹۹
AES (ژاپن)	نفت، گاز، خودرو	۲۳۹۰۲	۳۶۷۳۶	۳۸۰۰۰
روش (سوئیس)	دارو	۲۲۷۹۴	۲۵۲۸۹	۶۳۷۱۷
BASF (آلمان)	مواد شیمیایی	۲۰۸۷۲	۳۲۶۷۱	۹۲۵۴۵
دویچ پست (آلمان)	حمل و نقل	۲۰۸۴۰	۱۳۸۱۳۷	۲۷۶۲۳۵
بایر (آلمان)	دارو، مواد شیمیایی	۲۰۲۹۷	۳۲۸۱۷	۱۱۶۹۰۰
کلاکسواسمیت (بریتانیا)	دارو	۲۰۲۹۵	۳۱۷۵۸	۱۰۷۴۷۰
رویال آهولد (هلند)	فروشگاه	۱۹۹۶۷	۲۸۵۶۲	۲۷۰۷۳۹
سنت گوین (فرانسه)	مواد ساخته شده	۱۹۹۶۱	۲۸۴۷۸	۱۷۳۳۲۹
BHP (اتریش)	معادن	۱۹۸۹۸	۲۹۵۵۲	۵۱۰۳۷
دیگوپیک (بریتانیا)	مواد غذایی	۱۹۷۳۱	۲۶۲۶۰	۶۲۱۲۴
کونوکو (امریکا)	نفت	۱۹۳۸۳	۲۷۹۰۴	۲۰۳۳
فیلیپ موریس (امریکا)	متنوع	۱۹۳۳۹	۸۴۹۶۸	۱۷۵۰۰۰
نشنال گرید ترنسکو (بریتانیا)	برق، گاز، آب	۱۹۰۸۰	۲۴۸۳۹	۱۳۲۳۶

Source: UNCTAD, 2004, p. 41.

نکته جالب در این فهرست این است که صنایع ارتباطات، نفت، الکترونیک، گاز، خودرو، دارو، مواد غذایی، برق، آب و گاز در کنار چند شرکت فروشگاهی، زمینه اصلی فعالیت ۵۰ شرکت اصلی گرداننده اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد. از نظر تعداد و میزان سرمایه، امریکا در رده اول و بریتانیا، آلمان و فرانسه در رده‌های بعدی

قرار می‌گیرند. البته این به معنای آن نیست که این شرکتها تمام منافع و مزایای خود را به کشورهای خود می‌برند. آنها چند ملیتی هستند و سرمایه و چرخه تولید و توزیع خود را در عرصه جهانی بسط داده‌اند. اما مبدأ اصلی آنها کشورهای مذکور هستند. البته نباید غافل شد که امروزه تعداد زیادی از شرکت‌های فراملی ثبت شده در حال توسعه نیز بخشی از اقتصاد جهانی را در دست دارند. فهرست ۵۰ شرکت بزرگ فراملی و غیر مالی کشورهای در حال توسعه نیز به همراه مشخصات آنها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۵ بزرگ‌ترین شرکت‌های فراملی (غیر مالی) کشورهای در حال توسعه (ارقام به میلیون دلار)

شرکتها	نوع صنعت	دارایی خارجی	دارایی کل	فروش کارکنان
هاتچینسن (هنگ کنگ)	متنوع	۴۰۹۸۹	۵۵۲۸۱	۷۷۲۵۳
سینگتل (سنگاپور)	ارتباطات، مخابرات	۱۵۵۹۴	۱۹۱۰۸	۲۱۵۳۵
سمکس (مکزیک)	معادن غیر فلزی	۱۲۶۴۵	۱۶۲۸۲	۲۵۵۱۹
ال جی (کره)	الکترونیک	۱۱۵۶۱	۲۰۳۰۴	۴۲۵۱۲
نفت (ونزوئلا)	نفت	۷۹۶۴	۵۷۵۴۲	۴۶۴۲۵
نفت (برهامالزی)	نفت	۷۸۷۷	۳۷۹۳۳	۲۵۷۲۴
لوک اویل	نفت و گاز طبیعی	۵۸۳۰	۱۵۸۵۹	۱۴۰۰۰۰
توسعه نوین جهانی (هنگ کنگ)	متنوع	۴۷۱۵	۱۶۲۵۳	۲۶۱۰۰
نپتون (سنگاپور)	حمل و نقل	۴۶۷۴	۴۹۵۱	۱۱۷۷۷
سیتیک (هنگ کنگ)	متنوع	۴۱۸۴	۷۷۹۸	۱۱۷۳۳
جاردین (هنگ کنگ)	متنوع	۴۰۸۰	۷۱۶۶	۱۱۰۰۰۰
سامسونگ (کره)	الکترونیک	۳۸۴۰	۴۱۶۹۲	۷۳۶۸۲
گانگ دونگ (هنگ کنگ)	متنوع	۳۶۹۴	۴۰۴۲	۷۶۴۱
شانگری (هنگ کنگ)	هتل داری	۳۶۰۶	۴۵۶۵	۱۶۵۰۰
سایپ (سنگاپور)	کاغذ	۳۴۶۳	۴۵۰۴	۱۸۲۳۱
هیوندا (کره)	موتور، خودرو	۳۲۱۰	۳۳۲۱۶	۹۱۹۵۸
فلکس ترونیک (سنگاپور)	الکترونیک	۲۹۸۳	۴۱۱۵	۷۰۰۰۰
توسعه شهری (سنگاپور)	هتل داری	۲۸۷۰	۶۴۵۴	۱۴۳۳۷
شیمیایی ملی چین (چین)	متنوع	۲۷۸۸	۴۹۲۸	۷۹۵۰

ادامه جدول ۵

شرکتها	نوع صنعت	دارایی خارجی	دارایی کل فروش کارکنان
بوریز (افریقای جنوبی)	تولیدات غذایی	۲۷۸۵	۳۳۲۳۰
امریکا مویل (مکزیک)	ارتباطات، مخابرات	۲۳۲۳	۱۴۷۸۶
پرز کامیک (آرژانتین)	نفت	۲۱۵۴	۳۴۲۷
گونگ ژو (هنگ کنگ)	کاغذ	۲۱۲۹	۱۳۱۲۰
سمی کونداکتور	الکترونیک	۲۰۳۳	۱۳۶۶۹
فرست پاسینیک (هنگ کنگ)	نفت	۱۷۱۵	۳۸۴۸۳
نفت (برزیل)	الکترونیک	۱۶۸۶	۴۴۸۰
اسر (تایوان)	تولیدات فلزی	۱۵۸۹	۲۸۶۱۹
پوسکو (کره)	غذایی	۱۵۸۴	۲۶۶۹۷
سن میگوئل (فیلیپین)	برق، گاز، آب	۱۵۵۹	۴۰۸۵
CLP (هنگ کنگ)	تولیدات غذایی	۱۵۴۹	۲۶۰۰۰
پانامکو (مکزیک)	تولیدات فلزی	۱۴۸۸	۱۶۰۰۰
متالورژیکا (برزیل)	الکترونیک	۱۴۶۲	-
یونالیترو میکروالکترونیک (تایوان)	متنوع	۱۴۲۲	۱۶۲۲۳
LTD (افریقای جنوبی)	متنوع	۱۴۰۹	۲۳۲۳۳
بارلوورد (سنگاپور)	تولیدات غذایی	۱۲۲۹	۱۱۴۵۵
فریزر (افریقای جنوبی)	متنوع	۱۲۲۵	۲۶۳۸۴
سمیه داربی (مالزی)	حمل و نقل	۱۱۷۰	۴۶۸۶
ماورای شرقی (هنگ کنگ)	تولیدات غذایی	۱۱۱۸	۱۵۵۸۵
نووشیپ	حمل و نقل	۹۹۹	۶۹۷۹
نسپرز (افریقای جنوبی)	رسانه	۹۷۹	۱۰۷۰۶
کوپیک شیلی	نفت	۹۶۹	۸۳۶۷
ساویا (مکزیک)	متنوع	۹۶۱	۸۰۸۵
آمستیل (مالزی)	متنوع	۹۵۹	۲۶۷۴۵
جانیک هولدینگ (افریقای جنوبی)	ارتباطات، مخابرات	۸۳۹۱	۹۴۰۸
امیسا (مکزیک)	تولیدات فلزی	۸۲۸	۱۶۳۷۳
گریت ایگل (هنگ کنگ)	خدمات تجاری	۷۸۱	۲۶۵۶
دلتا (تایوان)	الکترونیک	۷۷۴	۱۱۴۸۰
جتینگ (مالزی)	هتل داری	۷۴۰	۱۵۲۰۰

Source: UNCTAD, 2004, p. 43.

در جدول ۵ هنگ کنگ، کره جنوبی و سنگاپور در آسیا، مکزیک و برزیل در امریکای مرکزی و لاتین و افریقای جنوبی در افریقا بیشترین سهم را دارند. اما نکته مهم تخصص این شرکتها در حوزه الکترونیک، اطلاعات و ارتباطات، نفت، هتل داری و تولیدات فلزی است که این تنوع از شرکتهای بزرگ ثبت شده در کشورهای صنعتی بیشتر است. این شرکتها نیز فراملی هستند و گستره فعالیت آنها جهانی است و گرداننده چرخه‌های بزرگ تولید و توزیع کالا و خدمات در عرصه جهانی‌اند. هرچند سطح سرمایه و فناوری آنها کمتر از ۵۰ شرکت بزرگ ثبت شده در کشورهای صنعتی است.

آمار نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی جدید در مجموع سبب رشد تولید ناخالص داخلی در بیشتر مناطق جهان به استثنای صحرای افریقا و بخشهایی از خاورمیانه و آسیای میانه شده است. جدول ذیل بیانگر رشد تولید ناخالص داخلی در مناطق مختلف جهان است:

جدول ۶ رشد تولید ناخالص ملی در عرصه جهانی

سال	۱۹۸۵-۱۹۸۰	۱۹۹۰-۱۹۸۵	۱۹۹۵-۱۹۹۰	۲۰۰۰-۱۹۹۵	۲۰۰۱-۲۰۰۰	۲۰۰۱
جهان	۲/۶	۳/۶	۲/۱	۳	۱/۱	۳۱۰۷۵۸۰۸
کشورهای در حال توسعه	۲/۸	۴/۵	۵/۱	۳/۹	۲/۴	۶۵۲۲۴۳۱
کشورهای توسعه یافته	۲/۵	۳/۷	۱/۸	۲/۹	۰/۷	۲۳۷۴۶۸۲۷

Source: UNCTAD, 2004, p. 19.

هرچند انتقادات زیادی نسبت به روند جهانی شدن وجود دارد و عده‌ای با اتکا به آمار موجود می‌کوشند نشان دهند که فرایندهای جهانی در واقع گسترش فاصله طبقاتی و اختلاف میان فقیر و غنی است، اما واقعیت نشان‌دهنده آن است که روند اقتصاد جهانی هم فرصت و هم تهدید پدید آورده است. اقتصاد جهانی در مجموع رشد کرده و آنهایی که از این شرایط بیشتر استفاده کرده‌اند، به سرعت موفق شده‌اند و آنهایی که ساختارهای داخلی‌شان با آن ناهماهنگ بوده دچار

مخاطره شده‌اند. در گزارش رسمی بانک جهانی^۱ در سال ۲۰۰۳ آمده است:

جهانی شدن و رشد همگرایی اقتصادها و جوامع مختلف در سراسر جهان یکی از داغ‌ترین بحث‌های اخیر در حوزه اقتصاد بین‌الملل بوده است. رشد سریع اقتصاد در کشورهای پرجمعیتی مانند چین و هند و بسیاری از کشورهایی که تا ۲۰ سال پیش فقیر بوده‌اند یک بُعد مثبت جهانی شدن است. اما جهانی شدن، مخالفان بین‌المللی فراوانی نیز دارد. زیرا آن را عامل نابرابری و تخریب محیط زیست می‌دانند. جهانی شدن کمک کرده است تا فقر در تعداد زیادی از کشورهای درحال توسعه کاهش یابد، اما باید به فقیرترین کشورهای جهان و کشورهایی که کاملاً به حاشیه رانده شده‌اند کمک شود تا بتوانند سطح زندگی شهروندان خود را ارتقا دهند ...

مطالعات نشان می‌دهد که ۲۴ کشور در حال توسعه همگرایی خود را با اقتصاد جهانی در طول دهه ۱۹۹۰ افزایش داده‌اند و به سطح درآمد بالاتری رسیده‌اند؛ امید به زندگی در آنها افزایش یافته و آموزش و پرورش رشد پیدا کرده است. این کشورها محل اسکان ۳ میلیارد نفرند و از میزان رشد ۵ درصدی بهره‌مندند که در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته که میزان رشد آنها ۲ درصد بوده بسیار بیشتر است. بسیاری از این کشورها مانند چین، هند، مجارستان و مکزیک سیاستها و نهادهای داخلی خود را به گونه‌ای سازماندهی کرده‌اند که مردم آنها بتوانند از مزایای بازار جهانی استفاده کنند و سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی آنها افزایش یابد ... ولی تمامی کشورها نتوانسته‌اند به گونه موفقی با اقتصاد جهانی همگرا شوند. این گزارش به ما می‌گوید که حدود ۲ میلیارد نفر به خصوص در منطقه صحرای افریقا، خاورمیانه و اتحاد جماهیر شوروی سابق در کشورهایی زندگی می‌کنند که چنین وضعی دارند. این کشورها نتوانسته‌اند با اقتصاد جهانی همگرا شوند و نسبت به تجارت، تولید ناخالص داخلی آنها ثابت مانده یا کاهش یافته است. به طور متوسط در آنها فقر افزایش یافته و سطح تحصیلات و آموزش رشد اندکی به نسبت کشورهای جهانی شده داشته است (World Bank, 2003).

1. World Bank

فرایندهای جهانی در حوزه فرهنگ و ارتباطات

بعضی معتقدند که کل فرایندهای جهانی تحت تأثیر رشد حیرت‌انگیز و جهان‌شمولی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. آنچه در حوزه رشد اقتصاد و تجارت دیده می‌شود یا تحولاتی که در حوزه سیاست و امنیت اتفاق افتاده است، در اثر رشد فزاینده بهره‌گیری از اینترنت و ماهواره و ایجاد فضای مجازی جدیدی است که انسانها را از طریق رایانه شخصی و یک خط تلفن با تمامی دنیا مرتبط کرده و میلیونها نشانه، اطلاعات، فرصت و مخاطره جدید در اختیار آنان قرار می‌دهد. این وضعیت جدید هم امکان مبادلات و فعالیتهای جدید اقتصادی را پدید می‌آورد و هم هویتها، وفاداریها، ناامنیها و پیوندهای سیاسی جدیدی را ایجاد می‌کند. در حالی که صدها کانال تلویزیونی ماهواره‌ای در تمامی نقاط جهان دریافت می‌شود، فرهنگها از طرق گوناگون امکان مبادله و تعامل بیشتری می‌یابند و هویتهای فرهنگی نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. اینترنت و ماهواره هر روز هزاران نشانه و میلیونها اطلاعات جدید را به انسانها و به خصوص نخبگان جوامع مختلف عرضه می‌کنند و از این طریق اندیشه‌ها، نظریات و ارزشهای آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

آمار انکتاد نشان می‌دهد که تعداد استفاده‌کنندگان از رایانه‌های شخصی به طرز شگفت‌انگیزی افزایش می‌یابد و میزان این رشد در کشورهای در حال توسعه به اندازه کشورهای صنعتی است. در سال ۱۹۹۵ در کل کشورهای در حال توسعه از هر ۱۰۰ نفر فقط ۱ نفر از رایانه شخصی استفاده می‌کرد، در حالی که در سال ۲۰۰۱ این رقم به ۲/۷ نفر و در سال ۲۰۰۲ به ۳ نفر رسیده است؛ یعنی ظرف ۸ سال ۳ برابر شده است. در کشورهای توسعه‌یافته نیز این تعداد از ۱۵ نفر در سال ۱۹۹۵ به ۴۵ نفر در سال ۲۰۰۱ رسیده که میزان رشد آن همان ۳۰۰ درصد است. تعداد خطوط تلفن سلولی نیز از ۰/۵ خط به ازاء هر ۱۰۰ نفر در کشورهای در حال توسعه به ۸ خط در سال ۲۰۰۱ رسیده که ۱۶ برابر شده است. در کشورهای توسعه‌یافته این رقم از ۹ خط به ازاء هر ۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵ به بیش از ۴۰ خط در سال ۲۰۰۱ رسیده که ۴/۵ برابر شده است (UNCTAD, 2004, p. 97).

این آمار نشان می‌دهد که وسایل ارتباط رایانه‌ای و خطوط تلفن مورد نیاز در آخرین دهه قرن بیستم به طرز بسیار سریع و شگفت‌انگیزی رشد کرده و این رشد با شتاب بیشتری ادامه دارد. به همین دلیل و به دلیل افزایش مهارت‌های فردی در نزد جهانیان میزان استفاده‌کنندگان از اینترنت به سرعت در حال گسترش است. جدول ذیل گواه این مدعا است:

جدول ۷ میزان رشد تعداد استفاده‌کنندگان از اینترنت در سطح جهان (به درصد)

سال	۲۰۰۱-۲۰۰۰	۲۰۰۲-۲۰۰۱
جهان	۲۵/۷	۲۶/۳
کشورهای توسعه‌یافته	۲۰/۶	۱۵/۶
کشورهای در حال توسعه	۴۰/۸	۵۴
افریقا	۳۵/۹	۵۹/۹
امریکای لاتین	۴۹/۶	۴۷/۵
آسیا	۳۵/۹	۳۹/۷
اقیانوسیه	۹/۲	۲۵/۴
امریکای شمالی	۱۳/۵	۱۴/۲

Source: UNCTAD, 2004, p. 99.

این آمار نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه، افریقا و امریکای لاتین میزان استفاده‌کنندگان از اینترنت تنها ظرف ۲ سال بیش از ۲ برابر شده است و این رشد دائماً با سرعت بیشتری ادامه دارد. این بدان معنی است که انسانها امکان ارتباط مستقیم با یکدیگر و با نهادها و مؤسسات خارج از مرزهای خود را بیشتر می‌یابند و می‌توانند با سهولت هرچه تمام‌تر ایده‌ها و اندیشه‌های خود را مبادله کنند. این امر در حوزه اقتصاد نیز تأثیرگذار است. پیش‌بینی سازمان ملل این است که تجارت الکترونیک در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۶ بین ۵۰-۹۰ درصد رشد داشته باشد (UNCTAD, 2004, p. 99).

براساس آمار یونسکو در حال حاضر بیش از ۵۰۰ شبکه ماهواره‌ای در اکثر نقاط جهان دریافت می‌شود و هزینه تهیه وسایلی که ماهواره به کمک آنها دریافت می‌شود نیز دائماً کاهش می‌یابد (UNESCO, 2003).

جدول ۸ میزان سفر جهانگردان و درآمدهای ناشی از آن در کشورهای نمونه

کشور	میزان سفر جهانگردان (به هزار نفر)			درآمد جهانگردی (به میلیون دلار)			درآمد جهانگردی از هر جهانگرد (به دلار)		
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱
افریقا									
افریقای جنوبی	۱۰۲۹	۶۰۰۱	۵۹۰۸	۹۹۲	۲۵۱۳	۲۵۰۱	۹۶۴	۴۱۹	۴۲۳
تونس	۳۲۰۴	۵۰۵۸	۵۳۸۷	۹۴۸	۱۴۹۶	۱۶۰۵	۲۹۶	۲۹۶	۲۹۸
مصر	۲۴۱۱	۵۱۱۶	۴۳۵۷	۱۱۰۰	۴۳۴۵	۳۸۰۰	۴۵۶	۸۴۹	۸۷۲
مراکش	۴۰۲۴	۴۱۱۳	۴۲۲۳	۱۲۵۹	۲۰۴۰	۲۵۲۶	۳۱۳	۴۹۶	۵۹۸
زیمبابوه	۶۰۵	۱۸۶۸	۲۰۶۸	۶۰	۱۲۵	۸۱	۹۹	۶۷	۳۹
امریکای مرکزی و جنوبی									
مکزیک	۱۷۱۷۶	۲۰۶۴۱	۱۹۸۱۰	۵۴۶۷	۸۲۹۵	۸۴۰۱	۳۱۸	۴۰۲	۴۲۴
برزیل	۱۰۹۱	۵۳۱۳	۴۷۷۳	۱۴۴۴	۴۲۲۸	۳۷۰۱	۱۳۲۴	۷۹۶	۷۷۵
پورتوریکو	۲۵۶۰	۳۳۴۱	۳۵۵۱	۱۳۶۶	۲۳۸۸	۲۷۲۸	۵۳۴	۷۱۵	۷۶۸
دومینیکن	۱۳۰۵	۲۹۷۳	۲۸۸۲	۹۰۰	۲۸۶۰	۲۷۹۸	۶۹۰	۹۶۲	۹۷۱
آرژانتین	۱۹۳۰	۲۹۰۹	۲۶۲۰	۱۱۳۱	۲۸۱۷	۲۵۴۷	۵۸۶	۹۶۸	۹۷۲
اروگوئه	۱۲۶۷	۱۹۶۸	۱۸۹۲	۲۶۲	۶۵۲	۵۶۱	۲۰۷	۳۳۱	۲۹۷
کوبا	۳۲۷	۱۷۴۱	۱۷۳۶	۲۴۳	۱۷۳۷	۱۶۹۲	۷۴۳	۹۹۸	۹۷۵
شیلی	۹۴۳	۱۷۴۲	۱۷۲۳	۵۴۰	۸۲۷	۷۸۸	۵۷۳	۴۷۵	۴۵۷
باهاما	۱۵۶۲	۱۵۴۴	۱۵۳۸	۱۳۲۴	۱۷۱۹	۱۶۳۹	۸۴۸	۱۱۱۳	۱۰۶۴

ادامه جدول ۸

کشور	میزان سفر جهانگردان (به هزار نفر)			درآمد جهانگردی (به میلیون دلار)			درآمد جهانگردی از هر جهانگرد (به دلار)		
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱
آسیای مرکزی و شرقی									
ترکیه	۴۷۹۹	۹۵۸۶	۱۰۷۸۳	۳۲۲۵	۷۶۳۶	۸۰۹۰	۶۷۲	۷۹۷	۷۵۰
امارات	۶۳۳	۳۹۰۷	۴۱۳۴	۱۶۹	۱۰۱۲	۱۰۴۶	۲۶۷	۲۵۹	۲۵۷
قبرس	۱۵۶۱	۲۶۸۶	۲۶۹۷	۱۲۵۸	۱۸۹۴	۱۹۸۱	۸۰۶	۷۰۵	۷۳۵
قزاقستان	—	۱۴۷۱	۱۸۴۷	—	۳۵۶	۳۹۶	—	۲۴۲	۲۱۵
اردن	۵۷۲	۱۴۲۷	۱۴۷۸	۵۱۲	۷۲۲	۷۰۰	۸۹۵	۵۰۶	۴۷۴
ایران	۱۵۴	۱۳۴۲	۱۴۰۲	۶۱	۸۶۳	۹۲۰	۳۹۶	۶۴۳	۶۵۶
سوریه	۵۶۲	۱۴۱۶	۱۳۱۸	۳۲۰	۱۰۸۲	—	۵۶۴	۷۶۴	—
جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه									
چین	۱۰۴۸۴	۳۱۲۲۹	۳۳۱۶۷	۲۲۱۸	۱۶۲۲۴	۱۷۷۹۲	۲۱۲	۵۲۰	۵۳۶
مالزی	۷۴۴۶	۱۰۲۲۲	۱۲۷۷۵	۱۶۶۷	۴۵۶۲	۶۳۷۴	۲۲۴	۴۴۶	۴۹۹
تایلند	۵۲۹۹	۹۵۷۹	۱۰۱۳۳	۴۳۲۶	۷۴۸۹	۷۰۷۷	۸۱۶	۷۸۲	۶۹۸
سنگاپور	۴۸۴۲	۶۹۱۷	۶۷۲۶	۴۹۳۷	۶۰۱۸	۵۰۸۱	۱۰۲۰	۸۷۰	۷۵۵
ماکائو	۲۵۱۳	۵۱۹۷	۵۱۹۷	۱۴۷۳	۳۲۰۵	۳۷۴۵	۵۸۶	۶۱۷	۶۴۱
اندونزی	۲۱۷۸	۵۰۶۴	۵۰۶۴	۲۱۰۵	۵۷۴۹	۵۴۱۱	۹۶۶	۱۱۳۵	۱۰۵۰
کره جنوبی	۲۹۵۹	۵۳۲۲	۵۳۲۲	۳۵۵۹	۶۸۱۱	۶۳۷۳	۱۲۰۳	۱۲۸۰	۱۲۳۸

ادامه جدول ۸

کشور	میزان سفر جهانگردان (به هزار نفر)			درآمد جهانگردی (به میلیون دلار)			درآمد جهانگردی از هر جهانگرد (به دلار)		
	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰
گوام	۱۲۸۷	۱۲۸۷	۷۸۰	-	-	۹۳۶	-	-	۱۲۰۰
اروپای مرکزی و شرقی	۲۱۸۰۰	۲۱۱۶۹	-	۳۵۶۰	۳۴۲۹	-	۱۶۳	۱۶۲	-
روسیه	۱۵۳۴۰	۱۵۵۷۱	۲۰۵۱۰	۳۷۷۰	۳۴۴۵	۸۲۴	۵۴۶	۲۲۱	۴۰
مجارستان	۱۵۰۰۰	۱۷۴۰۰	۳۴۰۰	۴۸۱۵	۶۱۰۰	۳۵۸	۳۲۱	۳۵۱	۱۰۵
لهستان	۷۵۲۰۲	۷۷۱۹۰	۵۲۴۹۷	۲۹۹۷۹	۳۰۷۵۴	۲۰۱۸۴	۳۹۹	۳۹۸	۳۸۴
کشورهای توسعه یافته	۴۹۵۱۹	۴۷۸۹۸	۳۴۰۸۵	۳۲۸۷۳	۳۱۴۵۴	۱۸۵۹۳	۶۶۴	۶۵۷	۵۴۵
فرانسه	۴۴۸۹۸	۵۰۹۴۵	۳۹۳۶۲	۷۱۸۹۳	۸۲۴۰۰	۴۳۰۰۷	۱۶۰۱	۱۶۱۷	۱۰۹۳
اسپانیا	۳۹۵۶۳	۴۱۱۸۱	۲۶۶۷۹	۲۵۷۹۶	۲۷۵۰۰	۱۶۴۵۸	۶۵۲	۶۶۸	۶۱۷
امریکا									
ایتالیا									

Source: UNCTAD , 2004 , p. 65.

افزایش امکان مبادله ذهنی، فکری و نشانه‌ای میان انسانها تنها در حوزه مجازی نیست، بلکه رشد توریسم و مهاجرت نشان می‌دهد که امکان رویارویی مستقیم انسانها نیز دائماً افزایش یافته است. جدول ۸ به تفکیک کشورهای نمونه میزان سفر جهانگردان و درآمدهای ناشی از آن را در سالهای مختلف با هم مقایسه کرده است. این مقایسه گویای رشد سریع در این حوزه در طول آخرین دهه‌های قرن بیستم است.

بنابراین، آمار نشان می‌دهد که امکان رویارویی و تعامل بین انسانها و ارتباطات میان آنان دائماً در حال گسترش است. درباره فراگیری جهانی الگوها و ارزشها در حوزه فرهنگ و هنر آمار رسمی و قطعی نمی‌توان ارائه داد؛ زیرا در شاخصها و آمارها اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. عده‌ای گسترش جهانی مدل تغذیه و فروشگاههایی مانند مک‌دونالد، موسیقی پاپ، گروههای موسیقی خاص، فیلمهای امریکایی، مدل‌های اروپایی و لباسهای جین را شاخصهای جهانی شدن فرهنگ می‌دانند و بعضی از گسترش جهانی ایده‌های معنوی و گرایش به معنویت و مذهب سخن می‌گویند. در هر دو زمینه نظریات متعددی وجود دارد که نمی‌توان فارغ از آنها آمار و ارقام خدشه‌ناپذیری ارائه کرد. اما حقیقت این است که این فراگیرها و همسانیهای جهانی در کنار تنوعها و تکثر فرهنگی در عرصه جهانی قابل تشخیص و بررسی است. بعضی نیز گسترش جهانی فرهنگ مبتنی بر حقوق بشر را جوهر اصلی جهانی شدن فرهنگ می‌دانند (ر. ک.: سلیمی، ۱۳۸۰).

فرایند جهانی در حوزه سیاست

شاخص‌سازی و بررسی کمی و عینی پدیده‌های سیاسی در عرصه جهانی بسیار دشوار است. از این رو هرچند سخن از رشد فرایندهای جهانی در حوزه سیاست می‌رود، اما به مانند اقتصاد و ارتباطات نمی‌توان آمار و اطلاعات مشخصی درباره آنها ارائه کرد. در میان نظریه‌پردازان سیاسی بعضی گسترش جهانی الگوی دولت - ملت و تقویت آن را شاخص و نشانه جهانی شدن می‌دانند و بعضی افول و از میان رفتن آن

را. بعضی از نظریه پردازان، جهان شمولی قدرت کشورهای بزرگ مانند ایالات متحده را نماد جهانی شدن سیاست و امنیت می دانند و برخی آن را نشان دهنده بازگشت جهان به عصر امپراتوریها و پایان انگاره جهانی شدن می پندارند.

البته در حوزه سیاست نیز واقعیهایی وجود دارد که انکارناپذیر است. به برخی از این امور که مورد نظر و استفاده نظریه پردازان جهانی شدن قرار گرفته است فهرست وار اشاره می کنیم:

۱. گسترش الگوی حکومتی دموکراسی (حال به صورت ظاهری یا حقیقی و دست کم در ساختار رسمی حکومتی) در بیش از دو سوم کشورهای جهان؛
 ۲. افزایش نقش سازمان ملل و شورای امنیت در حل و فصل مسائل جهانی (مثل مدلهای افغانستان، سومالی و یوگسلاوی سابق)؛
 ۳. تبدیل سازمانهایی مانند ناتو به یک سازمان سیاسی - امنیتی جهانی و گسترش حیطه عمل آن در آسیای میانه و خاورمیانه و پیوستن ۱۵ کشور جدید و استراتژیک بدان؛
 ۴. شکل گیری رژیمهای جهانی کنترل تسلیحات مانند کنترل انرژی هسته‌ای به وسیله IAEA و گسترش جهانی معاهدات منع تکثیر سلاحهای شیمیایی؛
 ۵. شکل گیری شبکه جهانی و به هم پیوسته تولید و توزیع سلاحهای استراتژیک؛
 ۶. گسترش روزافزون تعداد سازمانهای بین المللی غیردولتی؛
 ۷. به هم پیوستگی امنیت بازیگران جهانی به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر و اقدامات مشترک جهانی برای کنترل و مقابله با عوامل ناامنی جهانی؛
 ۸. بروز مخاطرات جهانی مانند تروریسم و شکل گیری اجماع جهانی برای برخورد با آن به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر.
- اینها واقعیهایی هستند که هرچند نقد و بررسی شده‌اند، ولی اصل وجود آنها در عرصه جهانی انکارناپذیر است. البته بعضی از نظریه پردازان آنها را نشانه‌های جهانی شدن سیاست نمی دانند، اما در وجود این پدیده‌ها نمی توان تردیدی کرد.

سازمان‌دهی بحث و طبقه‌بندی آن

در این بررسی کوتاه ملاحظه شد که تحولاتی مهم و شایان توجه در اقتصاد، فرهنگ و سیاست جهانی به وقوع پیوسته است که می‌تواند دستمایه نظریه‌های مختلف قرار گیرد. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا اصولاً این تحولات خود «جهانی شدن» هستند یا تعابیر و تفاسیر خاصی وجود دارند که آنها را به هم پیوند داده و به مقوله‌ای به نام «جهانی شدن» ربط می‌دهند و زندگی خود را بر آن منطبق می‌کنند یا واقعیتها و عینیت‌های جاری در جهان، چاره‌ای جز جهانی اندیشیدن را برای صاحب‌نظران باقی نمی‌گذارند؟

بی‌گمان به این سؤالها پاسخ قطعی نمی‌توان داد؛ اما برای دانشجویان و اهل نظر یک نکته را می‌توان روشن کرد و آن اینکه در جهان پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم تحولاتی که نمونه‌هایی از آنها ارائه شد، وجود دارد. اما چگونگی فهم این تحولات و قراردادن آنها در قالب نظریه‌های مختلف و نوع آگاهی و برخورد نظری و ارزشی با این تحولات متفاوت است. هدف این کتاب، نشان دادن بعضی از قرائتهای مختلف و درک گوناگون از این وقایع است. نظریه‌های مختلف درباره جهانی شدن در واقع، دیدگاههای متفاوتی درباره این تحولاتند و ما قصد داریم تا بیان کنیم که چگونه با مبانی نظری متفاوت می‌توان به تعابیر، تفاسیر و فهمهای کاملاً مختلفی از آنها رسید.

طبقه‌بندی و دسته‌بندی نظریه‌های مختلف درباره جهانی شدن بسیار دشوار است؛ زیرا ملاکها و شاخصهای گوناگونی برای این طبقه‌بندی وجود دارد. آن گونه که در متن کتاب ملاحظه خواهید کرد متفکرانی مانند هلد و مک‌گرو تقسیم‌بندی مشهوری از نظریه‌های مختلف درباره جهانی شدن ارائه داده‌اند. گیدنز^۱ و واترز نیز چنین کرده‌اند. تمامی این طبقه‌بندیها بسیار خوب و مناسب است؛ اما چون ملاک اصلی آنها شدت و ضعف اعتقاد به جهانی شدن است، ممکن است برای کسانی مفید باشد که در کوران بحثهای داغ روزمره در این باره قرار دارند و استفاده از آنها برای

دانشجویان و محققان ایرانی چندان مانوس نباشد. به همین دلیل ما کوشیده‌ایم که از همان تقسیم‌بندی کلاسیک که در علوم اجتماعی رایج در ایران، به ویژه در نظریه‌های روابط بین‌الملل، از آن استفاده می‌شود بهره‌گیریم. در این تقسیم‌بندی نظریه‌پردازانی مانند دیوید هلد و آنتونی مک‌گرو^۱ در کنار جوزف نای، رابرت کوهن، کنیچی اوهمای^۲ و فرانسیس فوکویاما در فصلی قرار گرفته‌اند که جهانی شدن را دگرگونی تدریجی همراه با گسترش لیبرال - دموکراسی می‌دانند. در اینجا این توضیح لازم است که منظور از لیبرال در این فصل یک برجسب ایدئولوژیک نیست. همان‌طور که مثلاً در نظریه‌های روابط بین‌الملل، نهادگرایان و کسانی که به استقلال و تقویت سازمانهای بین‌المللی معتقدند جزء نظریه‌پردازان نئولیبرال دسته‌بندی می‌شوند، ولی این به معنی گرایش و صبغه ایدئولوژیک آنها نیست. بلکه آنان معتقدند که به تدریج روابط و تعاملات اقتصادی آزاد جایگزین روابط قهرآمیز می‌شود. در این فصل نظریه‌های کاملاً متفاوت و گاه متقابلی در کنار هم قرار داده شده، اما نقطه مشترک آنها این است که معتقدند یک دگرگونی تدریجی در بنیاد روابط اجتماعی در عرصه جهانی در حال وقوع است که سرانجام آن گسترش هرچه بیشتر اقتصاد بازار آزاد و دموکراسی است. به دلیل وجود این فصل مشترک است که نظریه علمی و دقیق هلد و مک‌گرو در کنار برداشت فلسفی - ایدئولوژیک فوکویاما قرار گرفته است.

در فصل دوم کوشیده‌ایم تا نظریات پنج متفکر معروف واقع‌گرا، یعنی کنت والتس، رابرت گیلپین، استفن کرزнер^۳، پل هرست و گراهام تامپسون^۴ را مطرح کنیم که به وجود پدیده جهانی شدن یا نو بودن آن با دیده تردید نگریسته و نظریه‌های جهانی شدن را اغراق‌آمیز دانسته‌اند.

در فصل سوم سه متفکر مشهور مارکسیست انتخاب شده‌اند. آنان برای نمونه از میان خیل عظیم نظریه‌های مارکسیستی و ادبیات حجیم موجود در این زمینه

1. David Held & Anthony McGrew
2. J. Nye, R. Koehane, Kenichi Ohmae
3. Stephen Krasner
4. Paul Hirst & Grahame Thompson

برگزیده شده‌اند، زیرا هریک از آنان را می‌توان نماینده جریان و نوعی از گرایشهای متنوع مارکسیستی در جهان امروز دانست. سمیر امین نماینده منتقدان شدید و انقلابی فرایندهای جهانی است. امانوئل والرستین نماینده نظریه‌های موسوم به نظام جهانی است و یورگن هابرماس بازمانده و میراث‌دار سنت مکتب فرانکفورت است که نه فقط جامعه سرمایه‌داری بلکه خود مارکسیسم کلاسیک را نیز به چالش می‌کشد.

در فصل چهارم نظریه چهار متفکر برجسته بررسی خواهد شد که به طور عمده با نگرش جامعه‌شناختی به جهانی شدن می‌نگرند. جامعه‌شناختی نه به معنی کلاسیک آن، بلکه به این معنی که آنان جهانی شدن را در بطن و جوهره پدیده‌های اجتماعی می‌جویند. آنان جهانی شدن را تغییر بنیادهای زندگی اجتماعی بشر می‌دانند و عصر جهانی را عصر پایان تفکیک‌های کلاسیک میان دانشهای مختلف. گیدنز، رابرتسون، آلبرو و مالکوم واترز کسانی هستند که نظریاتشان در این قسمت بررسی شده است.

در پایان این مقدمه توجه خوانندگان محترم را به چند نکته جلب می‌کنیم: نخست آنکه، متفکران بسیاری هستند که آثارشان در این نوشتار بررسی نشده است؛ مانند نش، کاستلز^۱، هاروی، بک و فریدمن. دلیل آن مجال محدود این کتاب بوده و البته چنین اندیشیده شده که در نظریه‌های موجود نیز می‌توان جنبه‌هایی از مفاهیم مورد نظر آنان را یافت.

دوم آنکه، این صاحب‌نظران دائماً دست اندرکار ارائه مفاهیم جدیدند و هرروز مقاله، کتاب یا مصاحبه جدیدی منتشر می‌کنند. بنابراین ذکر تمام جزئیات نظریاتشان با توجه به فرایند طولانی نشر کتاب در ایران ناممکن است. اما تلاش شده تا جوهر اصلی و مفاهیم مرکزی مورد توجه آنان در این کتاب ارائه شود.

سوم آنکه، دشواری فعالیتهای علمی به حدی است که امکان ارائه مجموعه‌ای بی‌نقص را اندک می‌سازد. البته ممکن است در این مجموعه نواقص، کاستیها یا اشتباهاتی باشد که بی‌تردید همگی متوجه نویسنده است و از این نظر هرگونه نقد و انتقاد موجب آگاهی بیشتر جامعه علمی کشور و امتنان و سپاسگزاری نگارنده خواهد بود.